

آشنایی با شیعه پژوهی در فرانسه

بیوگرافی سخنران

نام: هشام داوود

محل تولد: فرانسه

تحصیلات دانشگاهی: دکتری

رشته مردم‌شناسی

کارنامه علمی:

دکتر هشام داوود پژوهش‌گر رشته مردم‌شناسی و فارغ‌التحصیل این رشته از یکی از دانشگاه‌های



فرانسه است. موضوع رشته تخصصی ایشان، مطالعات میدانی درباره مسائل مربوط به ازدواج، خویشاوندی، خانواده، قبیله و مفاهیمی چون: مردم‌شناسی، بوم‌شناسی، حاکمیت و غیره است. تخصص نخست وی از آغاز دهه هشتاد، به مسائل عراق مربوط می‌شد و نخستین کار ایشان مطالعه درباره قبایل و عشایر شرق ترکیه است.

مکیده

آقای هشام داوود در ابتدا به معرفی خود پرداختند و اشاره کردند که تخصصشان در حوزه مردم‌شناسی است و در مرکز ملی پژوهش‌های علمی در فرانسه مشغول به کارند. ایشان گفتند که این مرکز از پشتیبانی دولتی برخوردار است و بخش‌های متعددی از علوم در آن پژوهش می‌شود. وی به پروژه‌های تحقیقاتی خود اشاره کردند و افزودند که در حال حاضر مردم‌شناسی حج که تحقیقی است در مورد تغییرات مادی در ادای مناسک حج و مسائل اقتصادی آن و نیز طرح بزرگ مطالعاتی در مورد شیعه امروز میان قم و نجف را در دستور کار دارند. ایشان در پاسخ به این سوال که نظر متفکران فرانسوی درباره خاستگاه تشیع چیست، گفتند که درباره تشیع در فرانسه کمتر کار شده و مرکزی فنی و تخصصی وجود ندارد. آقای هشام داوود در ادامه، شیوه آموزش پژوهش‌گر در فرانسه را توضیح دادند و افزودند که این عمل به دو روش صورت می‌گیرد: یکی روش «ژرفانگر» که محقق موضوعی کوچک را عمقی تحقیق می‌نماید و روش دیگر «پهنانگر» که موضوع گسترده و کار سطحی است. در دهه‌های اخیر بیشتر از روش دوم استفاده قرار می‌گردد.

کلید واژه

مردم‌شناسی، پژوهش، فرانسه، تحقیق

پرسش و پاسخ

آقای دکتر هشام داوود، لطفاً در آغاز خلاصه‌ای از زندگی‌نامه خود را بفرمایید!

در ابتدا از شما برای دیدار ارزش‌مند امشب سپاس‌گزارم. این نخستین سفر من به قم نیست، بلکه سومین یا چهارمین باری است که به این شهر می‌آیم. در گذشته، قم برای من - به تعبیر جغرافی‌دانان - به سان گذرگاهی برای سفر به عراق و نجف بود، ولی به نظر می‌رسد که بازگشت مجدد، اشتیاق دوباره‌ای برای ایجاد ارتباط مستمر،

دست‌کم در زمینه تبادل اطلاعات علمی و روش‌شناختی، در من ایجاد کرده است. بی‌تردید، که این شهر مهم، تولیدات پراهمیتی دارد که به اطراف و اکناف جهان نرسیده‌اند. از این رو می‌توان روابط پرثمری را در این جهت سامان داد.

من پژوهش‌گر رشته مردم‌شناسی و فارغ‌التحصیل این رشته از یکی از دانشگاه‌های فرانسه هستم. موضوع رشته تخصصی من، مطالعات میدانی درباره مسائل مربوط به ازدواج، خویشاوندی، خانواده، قبیله و مفاهیمی چون: مردم‌شناسی، بوم‌شناسی، حاکمیت و غیره است.

اساساً تخصص نخست من از آغاز دهه هشتاد، مسائل عراق است. در آن دوره بیشتر بحث‌ها در عراق، به دلیل جنگ ایران و عراق، درباره مسائل سیاسی و نظامی بود. در آن مقطع زمانی، آثار زیادی درباره جامعه عراق تولید نشد و کارهای انجام شده درباره شیعه نیز کم بود. از قضا موضوعاتی که در دهه هشتاد به تنهایی مشغول کار و مطالعه آنها بودم، در دهه نود و در سال ۲۰۰۳ میلادی به مسائل بسیار مهمی تبدیل گشت؛ زیرا غرب متوجه شد که در مشرق عربی پیش از این، سخن درباره دولت‌های جدید متکی بر عواید نفت بود که پایه اقتصادی جوامع را تغییر داده و در عراق نیز حرکت سریع و حیرت‌آوری را به وجود آورده بود.

در اوایل سال ۲۰۰۰ غرب پی برد که امور دیگری نیز در عراق و مشرق‌زمین وجود دارد. این امور شامل بازگشت ما به خانه و عشیره، ازدواج و کاربرد سیاسی آن، بوم‌ها و حاکمیت‌های قبیله‌ای بود. همه این امور بار دیگر محور گفت‌وگوها قرار گرفت، ولی این بار موضوع حساس‌تر بود؛ زیرا صرفاً به پژوهش‌های روش‌شناختی محدود نبود،

بلکه در عین حال آثار سیاسی مستقیمی را نیز در پی داشت. نخستین کار من، «مطالعه درباره قبایل و عشایر شرق ترکیه» بود. ترکیه را به این دلیل انتخاب کردم که من عراقی هستم و در آن دوره امکان سفر به عراق را نداشتم. بنابراین، کشوری نزدیک به عراق را برگزیدم تا درباره قبایل کُرد در منطقه «حکاری» مطالعه کنم. این منطقه به مرز عراق بسیار نزدیک است و بیست تا سی کیلومتر با زاخو و عمادیه در خاک عراق فاصله دارد. ساکنان آن نیز به لحاظ بوم‌شناختی و لهجه زبانی با عشایر عراقی مشترکند.

پس از این مرحله در مؤسسه‌ای در فرانسه به نام «مرکز ملی پژوهش‌های علمی» مشغول به کار شدم. این مرکز از مهم‌ترین مؤسسه‌های علمی در فرانسه و حتی در سراسر اروپا به شمار می‌رود که دارای رشته‌های تخصصی فراوان و امکانات متعددی است. تعداد کارکنان آن به ۲۶۰۰۰ نفر می‌رسد که پانزده هزار نفر در شش - هفت دپارتمان بزرگ پژوهش‌گرند و بقیه در بخش‌های اداری و مدیریتی کار می‌کنند. دپارتمان‌های اصلی در فرانسه همانند دیگر کشورها، شامل دپارتمان علوم پایه مثل فیزیک، شیمی و علوم هسته‌ای؛ دپارتمان علوم ارتباطات و رسانه؛ دپارتمان علوم طبیعی همانند بیوفیزیک؛ دپارتمان علوم اجتماعی و انسان‌شناسی و غیره است.

ما در دپارتمان علوم اجتماعی و انسان‌شناسی کار می‌کنیم که تقریباً سه هزار پژوهش‌گر دارد. این تعداد در بخش‌های متعددی اعم از جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، فلسفه، تاریخ و غیره فعالیت می‌کنند. در بخش تاریخ نیز رشته‌هایی از قبیل تاریخ قدیم، میانه و جدید و بر اساس مناطق مختلف جهان، مطالعه و

پژوهش می‌شوند.

این مرکز دارای ابعاد علمی و پژوهشی بسیار گسترده‌ای با نقاط قوت و ضعف خاص خود است. نقاط قوت این مرکز عبارتند از:

۱. برخورداری از پشتیبانی دولتی؛
 ۲. نبودن هیچ‌گونه فشار بر پژوهش‌گران و آزادی کامل ایشان برای هرگونه پیشرفت و توسعه در مطالعات و پژوهش‌ها؛
 ۳. برخورداری آنان از حمایت‌های مالی و انتشار صدها مجله و هزاران کتاب توسط مرکز.
- این‌ها در نوع خود، امتیازات بزرگ و مهمی برای پژوهش‌گران به شمار می‌رود.

از نقاط ضعف مرکز این است که همانند دیگر مراکز و مؤسسه‌های علمی داخل و خارج فرانسه، در پنج تا ده سال اخیر از بحران‌های اقتصادی آسیب دیده و بودجه مرکز رو به کاهش بوده و استخدام پژوهش‌گران جوان و اجرای پروژه‌های علمی، رو به افول نهاده است.

در گذشته، گروه‌های حفاری باستان‌شناسی را علی‌رغم هزینه‌های هنگفتی که برای مرکز داشت، به کشورهای فقیری همانند یمن، سومالی، جیبوتی و غیره که بنیه مالی پرداخت این هزینه‌ها را نداشتند، اعزام می‌کردیم، ولی امروز این کار سخت شده است.

پیوستن به این مرکز به روش استخدام عمومی نیست، بلکه بر مبنای پژوهش‌های انجام شده افراد است. برای جذب پژوهش‌گر جدید، همه‌ساله در روزنامه رسمی، اعلام نیاز می‌گردد. ورود پژوهش‌گران جدید، گاه با بازنشسته کردن پژوهش‌گران سابق و گاه در جهت تأمین نیازهای جدید انجام می‌شود. پذیرش پژوهش‌گر با اشراف

کمیسیون‌های علمی مستقلی صورت می‌پذیرد. پرونده سوابق علمی — پژوهشی داوطلبان در این کمیسیون‌ها مطالعه می‌گردد و پس از مصاحبه، فرد مناسب گزینش می‌شود؛ البته مورد مناسب همیشه به معنای بهترین مورد نیست؛ زیرا گاهی نیاز در زمینه خاصی بیش از دیگر زمینه‌هاست و بدین ترتیب پژوهش‌گر جدید به جمع موجود پیوسته، روح تازه‌ای در آن می‌دمد.

پژوهش‌گر مانند کارمند وارد مرکز می‌شود. البته وی کارمند به مفهوم رایج اداری و استخدامی تلقی نمی‌گردد، ولی به لحاظ کاری تضمین شده است. به این معنا که دولت او را زیر پوشش تأمین اجتماعی قرار می‌دهد و امنیت شغلی می‌یابد؛ احساس امنیت شغلی به لحاظ روان‌شناختی، برای پژوهش‌گر امر بسیار مهمی است.

آیا در این مرکز پژوهش‌های اسلامی نیز صورت می‌گیرد؟

بله، بسیاری از پژوهش‌گران مرد و زن در این مرکز، متخصص جوامع و پژوهش‌های اسلامی هستند. در گذشته، بیشتر پژوهش‌ها در زمینه علوم اسلامی، با دو گرایش محتوا و روش بود. ولی در سی-چهل سال اخیر، بیشتر به سمت جوامع اسلامی، فرهنگ‌های محلی و اختلافات فرهنگی این جوامع رفته است؛ البته این امر مانع آن نمی‌شود که پژوهش‌های علوم اسلامی نیز صورت پذیرد. در این مرکز، تعدادی از پژوهش‌گران، در زمینه معارف بنیادین، همانند متون مقدس و متون دینی، کار می‌کنند.

همان‌طور که مستحضرید، علوم اسلامی در فرانسه همانند نقاط دیگر جهان، روند رو به رشدی دارد. این روند با روی‌کرد شرق‌شناسی کلاسیک از اواخر قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم آغاز شد و با

مطالعه، ترجمه، آگاهی از متون مقدس و مطالعه عظمت آنها و نیز تلاش واقعی جوامع برای تفسیر و فهم این متون، ادامه یافت.

در دهه چهل و پنجاه قرن بیستم، تغییرات شگرفی رخ داد و نسلی از راه رسید که از سویی به پژوهش، مطالعه، تطبیق، آشنایی با جوامع بشری و غیره علاقه‌مند بود و از دیگر سو به پژوهش درباره ادیان، بر اساس داده‌ها و دست‌آوردهای ارزش‌مند، می‌اندیشید. بدین ترتیب به تعامل با تاریخ‌نویسان، باستان‌شناسان، زبان‌شناسان، مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان پرداختند و باب گفت‌وگو را با اصحاب ادیان و فرهنگ‌های دیگر، در منطقه خویش و مناطق مجاور گشودند. در واقع بسیاری از ایشان، در شکل‌گیری شاخه‌هایی که دارای قاعده علمی است، نقش‌آفرین بودند. از این میان «ژاک بیرک» و «ماکسیم گودنسون» را می‌توان نام برد. نسل پس از ایشان، پژوهش‌گرانی از نوع سستی و کلاسیک بودند که من شخصاً از آن مجموعه نیستم.

ورود من به پژوهش‌های دینی از دریچه مردم‌شناسی اجتماعی بود؛ زیرا تخصص من پژوهش‌های اجتماعی است. در واقع، مرا به رغم میل باطنی‌ام، به سمت پژوهش‌های دینی سوق داده‌اند؛ دلیل این امر نیز همان‌گونه که فرمودید، ضرورتی است که امروز برای شناخت دین وجود دارد، لذا دست‌کم باید در سطح عمومی با پژوهش‌گران دیگر در زمینه‌های مختلف علوم اجتماعی، گفت‌وگو شود.

بدین صورت، وارد پژوهش‌های دینی درباره کشورهای مشرق عربی شدم و در زمینه‌هایی چون: جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، سیاست و نیز پرسش‌های عمومی درباره روند پیشرفت نوعی از اندیشه، مذهب و بازتاب اعتقادات بر رشد و توسعه اجتماعی در منطقه و جهان به پژوهش پرداختم. این موارد، انگیزه‌هایی بود که مرا به پژوهش درباره

بازتاب‌های اجتماعی دین سوق می‌داد؛ وگرنه من پژوهش‌گر دین، به مفهوم کلاسیک و سنتی آن نیستم. تاکنون پژوهش‌های فراوانی که تعداد آنها به سی تا چهل مقاله می‌رسد، منتشر ساخته‌ام. هم‌چنین سه کتاب با هم‌کاری دو نفر دیگر به چاپ رسانده‌ام و اینک مشغول تدوین کتاب دیگری درباره عراق به نام *بحران عراق؛ پژوهش‌های مردم‌شناسی* هستم که متأسفانه اوضاع فعلی عراق، از سرعت کار کاسته است.

جز موارد یاد شده به چه کاری مشغول هستید؟

عضو گروهی هستم که مشغول پژوهش بین‌المللی با عنوان «مردم‌شناسی حج در مکه» است.

آیا مقالات خود را منتشر کرده‌اید؟

بله، بیشتر کارهای منتشر شده، به موضوع عشایر و قبایل بر می‌گردد و کتابی در مورد جامعه عراق است که مطالبی در مورد بوم‌شناسی، دولت و بوم‌ها را در بر دارد. این کتاب به زبان انگلیسی و اکنون زیر چاپ است و *بوم‌ها و دولت‌ها در خاورمیانه؛ اوضاع کردهای عراق* نام دارد. این کتاب را با هم‌کاری پژوهش‌گری عراقی به نام «فالح عبدالجبار»، تدوین کرده‌ام. البته این پژوهش را چهار سال پیش آغاز نمودیم، ولی وقایع آن‌چنان پرشتاب پیش می‌رفت که در هر مرحله می‌خواستیم وارد مبحث جدیدی شویم، خود را بسیار دورتر از وضعیت موجود سیاسی می‌یافتیم و همان‌طور که اطلاع دارید، در فرانسه نیز همانند قم، وقتی چیزی نوشته شد، بازخوانی و ویرایش می‌شود و برای مطالعه در اختیار هم‌کاران قرار می‌گیرد. آن‌گاه برای چاپ و نشر باید به دنبال مرکزی برای انتشار بود و این امر، دو - چهار

سال به طول می‌انجامد.

عراق در فاصله زمانی انجام شده این پژوهش و آماده گشتن برای چاپ، دچار دگرگونی شد و آنچه در گذشته در سیاهه حوادث و تحولات نبود، وارد عرصه گشت.

در مورد کارهایی که اکنون انجام می‌دهیم، همان‌طور که گفتم، در حال حاضر با برخی از همکاران درباره موضوعی کار می‌کنیم که شاید برای شما نیز مهم باشد. عنوان این موضوع «مردم‌شناسی حج» است. همان‌طور که می‌دانید، پژوهش درباره حج برای مسلمانان از ابعاد فقهی، حقوقی، زیستی و حتی اجتماعی، فرهنگی و تاریخی بسیار اهمیت دارد که از پانزده قرن تاکنون جریان داشته است. حج با شکل‌های مختلفی قبل از اسلام نیز وجود داشته و پس از اسلام با شکل‌های دیگری ادامه یافته است.

در حال حاضر، «مردم‌شناسی حج» از پروژه‌های اصلی من به شمار می‌آید. در این پروژه درباره موضوعات مختلفی چون تغییرات مادی در ادای مناسک حج و مسائل اقتصادی آن و نیز سمبل و امر مینوی در حج کار می‌کنیم. موضوع اخیر به طور خلاصه درباره سیر تاریخی تحول سمبل‌هاست؛ هرچند معتقدم که امور مقدس و مینوی، در تمام حالات، ثابت هستند و نهایت کاری که می‌توان انجام داد، تغییر مکان، شکل یا نحوه انجام دادن آنهاست.

البته در این جا فقط به بخشی از کار اشاره نمودم و زیاد نمی‌خواهم وارد بحث شوم. برای مثال، امروز انجام دادن قربانی ابراهیمی در حج، به کوپن بانکی تبدیل شده است. بنابراین، برای قربانی کردن که از اصول مهم حج است، با مراجعه به بانک و دریافت کوپن و انجام شدن

عملیات کامپیوتری و ادامه این روند توسط گروهی خاص، روش سنتی انجام شدن ذبح و اطعام قربانی را کنار گذاشته و شیوه جدیدی برگزیده‌ایم. این تغییر، در نوع خود انقلاب بزرگی در زمینه شیوه انجام‌شدن امر مینوی به شمار می‌رود. چنین روشی تاکنون در دست‌رس نبود و آن را نوعی قربانی سمبلیک ابراهیمی می‌نامم. این جا به این حقیقت رسیدم که می‌توان سمبل‌ها را تغییر داد و امور مقدس و مینوی را هم‌چنان به منزله کانون‌های ثابت حفظ نمود. بنابراین، هرچند امور مینوی را نمی‌توان تغییر داد، در روش‌ها می‌توان تصرف کرد و این، اصلی بنیادین و دارای ارزش نظری است.

من عضو مؤسسه دیگری به نام «مرکز پژوهش‌های جامعه عراق» هستم که پروژه‌های مختلفی را در لندن، بیروت و بغداد در دست انجام دارد. یکی از این پروژه‌ها، ترجمه و چاپ هزار و یک کتاب - هم‌نام [قصه معروف] هزار و یک شب - درباره جامعه عراق است که در عین آزادی اندیشه و دفاع از آزادی بیان نگاشته می‌شود. سال گذشته، نخستین دوره را با پنجاه عنوان کتاب در این زمینه، آغاز کردیم. هزینه خرید این آثار، حتی کمتر از هزینه کپی‌برداری‌شان لحاظ شده، تا همگان از عهده خرید آنها برآیند. نیز از هر پنج عنوان کتاب، یک عنوان، به رایگان در جراید عرضه خواهد شد.

طرح دیگری که شاید برایتان جالب باشد، این است که در مرکز ما، البته نه در فرانسه، بلکه در مرکز مطالعات جامعه عراق، بعد از سقوط صدام، به کیان و قضایای شیعه به منزله یک مذهب، عینیت، آرمان و چشم‌انداز آن، اهتمام بین‌المللی ویژه‌ای شده است. برخی از مطالعات در این زمینه، صرفاً مشتی کارهای شتاب‌زده سیاسی بوده، ولی برخی

دیگر از اشتیاق فرهنگی و معرفتی حکایت می‌کند. اکنون به مطالعات فرهنگی- شناختی عنایت داریم و می‌گوییم با غنیمت شمردن این فرصت، پژوهش فرهنگی سالمی را در سطح گسترده می‌توانیم منتشر سازیم. از این رو به طرح مطالعاتی بزرگی با عنوان *شیعه امروز میان قم و نجف* پرداختیم. ما عراقی‌ها، با این اعتقاد که امروز، سازوکارهای این پژوهش را در اختیار داریم و اگر دست به کار نشویم، در آینده، غربی‌ها پژوهش درباره این موضوع را در دستور کار خود قرار خواهند داد، کار را آغاز نمودیم؛ چون غرب امروز دست‌آوردهای علمی و فکری فراوانی در اختیار دارد که طی قرون متمادی به دست آورده است. ما نیز می‌کوشیم تا ان شاء الله نقش پل ارتباطی را در این زمینه ایفا نماییم.

مطالعات شیعی در فرانسه، به چه شکلی انجام می‌شود؟

همان‌طور که می‌دانید، پژوهش درباره جهان شیعه از قرن گذشته در فرانسه، دست‌خوش پیشرفت‌هایی بوده است. نخستین پیشرفت مربوط به شناخت جهان شیعه از حیث گونه‌ها، فرق، آرا و غیره بود. این امر از طریق دست‌آوردهای شرق‌شناسان، جهان‌گردان و مشتاقان شناخت جهان تشیع، حاصل شد. در این زمینه، جمعی از فیلسوفان بزرگ به پژوهش پرداختند که از جمله ایشان می‌توان کربن را مثال زد. وی شخصیت مهمی در ایجاد ارتباط غرب با جهان تشیع به شمار می‌رود. او حقیقتاً در بعد تعامل فکری و معرفتی با اندیشه شیعه، آگاهی کاملی داشت.

به نظر من، دهه هفتاد آغاز مطالعات علمی فرانسه در این زمینه به شمار می‌آید؛ دوره‌ای که مباحث علمی حالتی ترکیبی یافت و رشته‌های

علمی افزون‌تر شد و جهان به جوامع و فرهنگ‌ها توجه نمود. در مرکز ما چون امور شرعی و فقهی در مناطق گوناگون، مختلف است، به تربیت عده‌ای از پژوهش‌گران مرد و زن پرداختیم تا متخصص این امر شوند، زبانشان را بیاموزند، به آن کشورها سفر نمایند و مدت مدیدی، در آن جا زندگی کنند و بر منابع علمی‌شان احاطه یابند.

در دهه هفتاد نیاز بود که درباره جامعه ایرانی پژوهش شود. منظور از جامعه ایرانی در فرانسه، صرفاً به مرزهای جغرافیایی محدود نیست، بلکه تمام نقاطی را شامل می‌شود که در همسایگی ایران به زبان فارسی تکلم می‌کنند. در اواخر دهه هفتاد، اصطلاح جامعه ایرانی بیشتر به مفهوم شیعیان داخل و اطراف ایران به کار می‌رفت. در دهه‌های هفتاد و هشتاد، در فرانسه پژوهش‌گر متخصصی درباره عراق وجود نداشت و طبیعتاً پژوهشی نیز درباره شیعیان عراق انجام نشد، مگر در اواخر دهه هشتاد که شخصیتی به نام «پی‌یر ژان لوزیزار» به این امر اهتمام ورزید و کتابی در مورد شیعیان عراق نگاشت.

حتی مطالعه درباره شیعیان عراق از خلال پژوهش‌ها در مورد جامعه ایرانی بود. این شیوه امکان داشت اشتباهاتی را به دلیل اختلافات فرهنگی و جغرافیایی جهان تشیع سبب شود، ولی اشتراک‌های این جهان می‌توانست مبنای این طرح قرار گیرد.

دهه هفتاد دوره خاصی بود. در نیمه دوم این دهه، اهتمام به ابعاد سیاسی جهان شیعه رونق یافت و انقلاب ایران شکل گرفت و پرسش‌های بزرگی را در پیش روی جهان غرب قرار داد؛ مانند چگونه انقلاب ایران که انقلابی حقیقی در مسیر تاریخ است، توانست بر مبنای اندیشه دینی و شیعی شکل گیرد؟

این پرسش‌های به شکل تند و رادیکال در جهان غرب مطرح شد و به بازتاب پرشتاب رویدادهای سیاسی جهان شیعه در این دوره انجامید. در این دوران، تعداد محدودی پژوهش‌گر متخصص تعلیم یافتند. البته همان‌طور که می‌دانید، روند آماده‌سازی پژوهش‌گر متخصص در فرانسه، حدود ده تا پانزده سال به طول می‌انجامد؛ زیرا پژوهش‌گر در روند آموزشی خود باید آمادگی‌هایی چون آموزش زبان خارجی، آگاهی بر مسائل اساسی رشته تخصصی خود، پژوهش‌های میدانی و غیره را فراگیرد تا در تولید علم توانمند گردد. این روند تقریباً مشابه فرآیند آموزشی شما در حوزه است؛ چنان که طلبه‌ای وارد حوزه می‌شود، سطوح را طی می‌کند، عالم می‌شود، به مقام اجتهاد می‌رسد و همه اینها به زمان طولانی نیاز دارد.

در حال حاضر تعداد پژوهش‌گران در فرانسه بسیار محدود است؛ البته پژوهش‌گران متفکر، نه اشخاص حرافی که صبح و شب در روزنامه‌ها و مجلات ظاهر می‌شوند و با همان شکل و بیان که از سالاد سخن می‌گویند، به مباحث مذهبی نیز می‌پردازند! پژوهش‌گر متخصص در زمینه مذهب شیعه، بیش از چهار الی پنج نفر نیست. در مورد جامعه ایرانی نیز بین ده تا پانزده نفر پژوهش‌گر مشغول کارند. البته ده‌ها دانش‌جو داریم که در آینده، بسیاری از آنها پژوهش‌گر خواهند شد. برخی از ایشان ایرانی هستند و بعضی نیز از فرهنگ‌ها و مناطق دیگری آمده‌اند.

تقریباً از ده سال پیش نیز شروع به آموزش بسیاری از پژوهش‌گران درباره جامعه ایرانی نمودیم تا درباره آسیای میانه به پژوهش بپردازند. در این پروژه، به تاجیکستان توجه ویژه داشتیم؛ زیرا این کشور در همسایگی افغانستان قرار دارد و قصد داشتیم مرکز فرانسوی را در

بخش مهمی از منطقه مستقر سازیم.

واقعیت این است که فرانسوی‌ها حتی در زمینه پژوهش نیز از امریکایی‌ها، آلمانی‌ها و ژاپنی‌ها عقب‌تر هستند؛ زیرا امروزه آن کشورها امکانات فراوانی را در سرتاسر آسیای میانه مستقر ساخته‌اند.

هانری کربن در میان ایرانی‌ها شخصیت ممتازی به شمار می‌رود و این به دلیل روابط دوستانه و ویژه او با علامه طباطبائی رحمه‌الله است. پژوهش‌های متعددی نیز درباره اندیشه هانری وجود دارد. سؤال در مورد بازتاب‌های اندیشه هانری کربن در مطالعات شیعه‌شناسی فرانسه و میزان توجه به نتایجی است که وی به آنها دست یافت. آیا میان آن‌چه هانری کربن با شخصیت عرفانی ترسیم می‌کند، با اسلامی که امام خمینی رحمه‌الله با شخصیت سیاسی می‌نمایاند، تقابل و تضادی وجود دارد؟

کربن، تحقیق در مورد نوعی از فرهنگ بشری را از سطح پژوهش‌های خاص مردم‌شناسانه به سطح پژوهش‌های فلسفی، انتقال داد. بی‌تردید، دید فلسفی او، پرداختن به باطن و عرفان بود. این امر سبب شد تا به اندیشه شیعی نیز از این زاویه نگاه کند که این نگاه را «دریافت باطنی» می‌نامم. تأثیر او بر فرانسه، به ویژه در دهه هفتاد بسیار شگرف بود. البته این دهه، برهه مهمی به شمار می‌رود؛ زیرا اوج شکوفایی سارتر و دیگر فلاسفه در این دهه بود.

در این دوره میان مکاتب مختلف فلسفی نظیر وجودگرایان و ماهیت‌گرایان تقابل و درگیری شدیدی وجود داشت و حقیقتاً از اندیشه‌های کربن متأثر بودند.

در آغاز، اغلب کسانی که به اندیشه شیعه و جامعه ایرانی

می‌پرداختند، روش سیاسی شیعه را نیز به‌طور ضمنی پذیرفته بودند، ولی به نظر می‌رسد که از نیمه دوم دهه هشتاد، اختلافات و تباینات شدیدی در دیدگاه‌ها به وجود آمد. برای مثال، «موریکال رای» که فیلسوف و نویسنده بود و در هر دو بعد میراث و عرفان شیعه دست داشت، در دوره‌ای طولانی و منطقه‌ای مهم، فیلسوف شاخص و مشهوری به شمار می‌رفت و روشن‌فکری بود که به بحث‌های عمیقی دامن زد؛ اما امروزه دوره او سپری گشته و دیگر آن‌چنان مطرح نیست؛ ولی کرین هم‌چنان در فرانسه یک نویسنده مهم و مشهور باقی مانده و به حاشیه نرفته و نام او از کتاب‌خانه‌های این کشور محو نشده است؛ کتاب‌هایش هم‌چنان خرید و فروش می‌شود و دست به دست می‌گردد و نقد و بررسی می‌شود و همه ساله چاپ می‌گردد.

در فرانسه، اگر کتابی به صورت جیبی چاپ شود، نشان از اهمیت بالای آن در میان کتاب‌های کلاسیک است؛ کتاب‌های کرین بارها و بارها به صورت جیبی چاپ شده و چاپ کتاب‌هایش هنوز هم ادامه دارد، هرچند شمارگان کتاب‌هایش طبیعتاً کمتر از میزان دهه شصت، هفتاد و آغاز هشتاد است. برخی از خوانندگان، مشتاق شناخت این نوع معارفند؛ برخی به صورت تخصصی این آثار را مطالعه می‌کنند و گروهی نیز به مطالعه آزاد آن‌ها می‌پردازند.

میزان تأثیر کرین بر پژوهش‌های شیعی اشخاصی چون دکتر امیر معزی

چقدر بوده است؟ آیا شباهتی میان افکار او و کرین وجود دارد؟

به دلیل نوع رشته تخصصی‌ام، شناخت بسیار کمی از امیرمعزی دارم. ولی با گروه دیگری آشنا هستم که برخی از ایرانی‌ها و از جمله یکی از هم‌کارانم به نام فرهاد خسروی در آن کار می‌کنند و در یک ساختمان

هستیم. تأثیر کربن بر این عده بسیار مهم و سرنوشت‌ساز بوده است. وی هم‌چنین بر نسلی از فرانسوی‌ها، نظیر مردم‌شناسانی چون: «جان پی‌یر دی گار»، «اوکار» و «یان ریشار» بسیار تأثیر گذاشت. آثار کربن، منبع دست اول ایشان برای آشنایی بود. آنان از طریق او با فرهنگ شیعی آشنا شدند و هریک در رشته‌های مختلفی چون جغرافی، مردم‌شناسی، سیاست و اقتصاد متخصص گردیدند. کربن برای ایشان، منبع شناخت معنوی فرهنگ شیعه بود، نه ابزار تحلیلی مستقیم از جامعه ایرانی.

دیدگاه شیعه‌شناسان فرانسوی به خاستگاه شیعه و سرّ تحول تشیع از صدر اسلام تا تشیع امامی امروز و نیز ارتباط تشیع از لحاظ پیدایش با فرهنگ باستانی ایران چیست و چقدر درباره این موضوع مطالعه شده است؟

در فرانسه کتاب‌های فراوانی در مورد شیعه و تشیع یافت می‌شود، ولی نشریه و مجله ویژه‌ای راجع به این دو موضوع نیست. هم‌چنین نهادهای علمی خاصی وجود ندارد که به این دو موضوع بپردازند. البته منظورم نهادهای علمی و دانشگاه‌هاست، نه گروه‌ها و جمعیت‌های خاصی چون بعثه فلان آیت‌الله که کارهایی را در این زمینه انجام می‌دهند در واقع، مطالعات و پژوهش‌ها در این زمینه در آزمایشگاه‌های مختلف پراکنده است. آزمایشگاه‌های علوم انسانی در فرانسه بر مبنای مناطق و فرهنگ‌های مختلف تقسیم می‌شوند. برخی از آزمایشگاه‌ها ویژه پدیده‌های دینی هستند و پژوهشی درباره پدیده‌های دینی مختص به جهان تشیع وجود ندارد.

تا هفته پیش، در آزمایشگاه علوم اجتماعی در پژوهش علوم دینی

بودم و به عنوان یک مردم‌شناس، در بعد اجتماعی اسلام مطالعه می‌کردم. خانمی در بخش ما، در مورد اسلام سیاسی در شمال آفریقا پژوهش می‌کرد. آقای دیگری به مطالعه در مورد اسلام در موریتانی می‌پرداخت و عده‌ای دیگر به پژوهش در مورد بودائیسیم، پروتستانتیسم، کاتولیک، شینتو و غیره می‌پرداختند. این شیوه علمی مطالعه و سنجش از دهه هفتاد در فرانسه رایج بود و سبب گردید که دست‌آوردها و یافته‌های علمی از حوزه مطالعاتی هریک از متخصصان فراتر رود و در اختیار پژوهش‌گران دیگر قرار گیرد.

بخش‌های دیگری در این زمینه در دانشگاه‌ها داریم که به طور ویژه به اسلام و جوامع اسلامی می‌پردازد، ولی بخش ویژه مطالعات شیعه‌شناسی یا تشیع‌شناسی نداریم. البته ممکن است پژوهش‌گرانی جسته و گریخته این مطالعات را دنبال کنند، ولی آزمایشگاه یا بخش ویژه‌ای برای این مباحث نداریم.

یعنی در مؤسسه شما راجع به تشیع پژوهش‌های تاریخی انجام نمی‌شود؟

گفتم که این کار به صورت فنی انجام نمی‌شود. از من پرسیدید: آیا عده‌ای در این زمینه کار می‌کنند و همایش‌هایی درباره تشیع انجام می‌شود؟

تصور می‌کنم که از سی - چهل سال پیش تاکنون، یک تا دو همایش درباره شیعه برگزار شده، هرچند امکان دارد اصل این همایش‌ها در مورد اسلام بوده و نه شیعه، هفتاد درصد مطالب آنها درباره شیعه بوده است.

متأسفانه در فرانسه، به این کار نیاز علمی احساس نمی‌شود، بلکه

بیشتر این کارها با اهداف سیاسی دنبال می‌گردد؛ همان‌طور که شما نیز ممکن است در ایران برخی از کارهای ظاهراً علمی را با اغراض سیاسی انجام دهید؛ البته به طور یقین پژوهش درباره شیعه و تشیع در ایالات متحده در قالب گروه‌ها و مجموعه‌هایی فعال صورت می‌گیرد. بسیاری از اشخاص را می‌شناسم که در گروه‌های ویژه‌ای مشغول پژوهش‌های اسلامی هستند و شاید نصف این عده در زمینه اندیشه و مذهب شیعه پژوهش می‌کنند؛ امری که تاکنون در فرانسه سابقه نداشته است.

آیا مرکز شما پژوهش‌های تاریخی هم انجام می‌دهد؟
بله.

آیا این پژوهش‌ها دقت مورد انتظار را دارد؟
خیر.

آیا کتاب‌های مهم و شایسته‌ای در این زمینه تهیه شده است؟
بله.

آیا پژوهش‌گران مصممی در این زمینه کار می‌کنند و از اشتیاق لازم برای ادامه پژوهش و تبادل علمی و فرهنگی برای شناخت تاریخی شیعه و تشیع برخوردارند؟
بله.

آیا پژوهش‌گرانی هستند که درباره شیعه و تشیع و رابطه تاریخی آن با ایران تحقیق کرده باشند؟

بله، پژوهش‌های ایشان موجود است، ولی در واقع بیشتر این پژوهش‌ها، ویژه متخصصان است، نه عموم؛ زیرا این پژوهش‌ها ماهیتی

علمی و اختصاصی دارند که تاریخ، باستان‌شناسی، فقه و معارف دقیقی در آنها وارد شده است. بنابراین، اگر خواننده عادی بخواهد از این کتاب‌ها استفاده کند، باید قبل از آن ده‌ها کتاب خوانده باشد تا مفهوم آنها را بفهمد و طبعاً باید با اصول فقه، تاریخ اسلام، تاریخ منطقه ایران، فرهنگ‌های گذشته و غیره، آشنایی داشته باشد.

ولی مهم است بدانید که در فرانسه - علی‌رغم نقص موجود - آشنایی متخصصان با جهان شیعه، بسیار بیشتر از آشنایی متخصصان ایرانی یا عراقی با جهان غرب است و این فاجعه‌ای فرهنگی برای ما محسوب می‌شود. به لحاظ کمی نیز تعداد متخصصان آنان که در مورد ما پژوهش می‌کنند، بسیار بیشتر از متخصصان ما در مورد مسائل آنهاست. از این رو گاهی گفت‌وگوهای ما با آنها دچار فقدان تعادل و توازن می‌شود و در نهایت به تفاهم دست نمی‌یابیم.

آیا ممکن است چند تن از شخصیت‌هایی را که در این مورد کار می‌کنند، معرفی نمایید؟

بله، شخصیت‌های بسیاری هستند. یکی از دوستانم به نام «ایان ریشار» کتابی درباره شیعه تألیف کرده که پژوهش خوبی درباره شیعیان ایران به شمار می‌آید. دوست دیگری دارم به نام «پی‌یر جان دی‌گار» که همسر ایرانی دارد. وی کتاب بسیار خوبی درباره ایل بختیاری نوشته است. او متخصص طراز اول جهانی در زمینه عشایر بختیاری به شمار می‌آید که این عشایر زیستی شبه‌بدوی دارند.

پژوهش‌گر دیگری به نام «هور کاد» در زمینه جغرافیای انسانی کار می‌کند. وی پژوهش عالی و ممتازی را درباره خانواده و ازدواج در شهر تهران انجام داده است. او سال گذشته، همایش بسیار خوبی درباره

جغرافیای ادیان برگزار نمود. بخشی از این همایش راجع به جامعه ایران، به مفهوم گسترده آن بود که مباحث اصلی این بخش درباره شیعه و تشیع بود. هم‌چنین در آلمان دوستان زیادی دارم که در این زمینه مشغول فعالیتند.

مؤسسه‌ای که با عنوان هزار و یک کتاب در عراق ایجاد کرده‌اید، چه مؤسسه یا مرکزی آن را پشتیبانی مالی می‌کند؟

این مؤسسه در واقع «مرکز پژوهش‌های جامعه عراق» نام دارد که یکی از پروژه‌های آن، طرح، ترجمه و نشر کتاب است. بودجه آن از طرق مختلف مثل دولت عراق، بازار مشترک اروپا و همه دولت‌هایی تأمین می‌شود که در مادرید، اردن و ژاپن صندوق بازسازی عراق را تشکیل داده‌اند.

آیا این مؤسسه کاملاً غیردولتی است؟

بله، مؤسسه ما خیریه و غیرانتفاعی است و کارکنان آن نیز غیر از دبیرخانه، از این کار حقوقی ندارند. پشتیبانی مالی فقط برای نشر کتاب است، ولی شرط کرده‌ایم که این پشتیبانی بر انتخاب یا تحمیل نوع کتاب و نیز قیمت آن و غیره، هیچ تأثیری نداشته باشد.

به نظر ما میراث صدام در عراق در طول ۳۵ سال، چیزی جز تخریب و تباهی نبوده و امروز، عراق و دانشگاه‌های آن فاقد بیداری فرهنگی و علمی هستند. از این رو، تلاش می‌کنیم تا بخشی از این کتاب‌های چالش‌انگیز را که پیش‌تر در دسترس نبود، در اختیار قشر دانشجو و روشن‌فکر قرار دهیم.

از بین کتاب‌هایی که برای ترجمه برگزیده‌ایم، کتاب مرحوم نایینی

است^۱ که علی‌رغم عرضه برخی ترجمه‌ها، تاکنون ترجمه عربی مناسبی از آن، عرضه نشده است. این کتاب را مجدداً ترجمه کرده و برای آن مقدمه و حاشیه نگاشته‌ایم. هم‌چنین کتاب *طبیاع‌الاستبداد* کواکی را به چاپ رسانده‌ایم.

امسال یا سال آینده، در همایش بزرگ‌داشت «محمد عبده» تلاش خواهیم کرد که پژوهش جدیدی را در زمینه اندیشه، تولیدات علمی، دست‌آوردها و افزوده‌های علمی وی ارائه کنیم و به برخی از چالش‌هایی که او علی‌رغم ایجاد، نتوانست از آنها عبور کند، اشاره نماییم. خواهیم کوشید تا در این زمینه، ابزارها و سازوکارهایی در اختیار پژوهش‌گران و دانشجویان عراقی قرار دهیم تا بتوانند پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی را با چشمانی باز بنگرند و در تحلیل و بحث توان‌مند شوند و هنگام تردید، دست‌کم ابزارهای سالم و صحیحی را برای رویارویی با تردیدهای خویش بیابند. ان شاء الله این تصمیم را محقق خواهیم ساخت.

در این پروژه، کارهایی نیز درباره شیعه و تشیع انجام خواهد شد؛ زیرا اکنون بحث شیعه در عراق مطرح است و ابهامات بزرگی در این مورد وجود دارد. مردم در خارج عراق، بین بیم و امیدند. آنها می‌خواهند بدانند، زیرساخت‌های پیشرفت شیعیان در اوضاع فعلی چیست و آیا این فقط توسعه‌ای سیاسی به شمار می‌آید یا رشد فرهنگی نیز هست. حتی می‌پرسند: اساساً مفهوم شیعه عراقی چیست؟ آیا هویت شیعه همه چیز را در عراق نابود خواهد ساخت؟ آیا شیعه عراق درست مثل شیعه ایران است؟ آیا شیعه عربی دقیقاً به مفهوم شیعه فارسی است؟

۱. احتمالاً غرض ایشان کتاب *تنبيه‌الامة و تنزيه‌الملة* است. (مترجم)

این پرسش‌ها اکنون از منظر مردم‌شناسی، فرهنگی، تاریخی و غیره طرح می‌شود.

آیا انسجام فکری میان شیعیان در عراق، افغانستان، ایران، لبنان و غیره برای غرب، غافل‌گیر کننده و دور از انتظار نبود؟

بله، غرب تا حدود زیادی غافل‌گیر شد و معتقدم آنها به این پدیده نگاه مثبتی نداشتند. حتی سایر نقاط دیگر جهان نیز این امر را پدیده‌ای طبیعی و فرهنگی نمی‌دانستند، بلکه متأسفانه جنبه فرهنگی این جریان مورد شدیدترین حملات قرار گرفت و فقط بعد سیاسی آن نمایانده شد. بنابراین تا امروز، بعد سیاسی جهان شیعه بیش از دیگر ابعاد آن، اعلام شده، ولی این که آیا غرب و جهان، مسئول ایجاد این چهره از جهان شیعه هستند، به نظر من، تا حدودی بله؛ ولی نه به طور کامل. به نظر می‌رسد شیعیان نیز باعث شده‌اند که دیگران در مورد ایشان، فقط تصویری سیاسی داشته باشند، اما در ابعاد فرهنگی و تولیدات علمی و غیره به خوبی ظاهر شدند؛ ولی واقعیت‌های امروز از برآورده‌نشدن این انتظارات حکایت می‌کند.

اجازه دهید قدری هم جای خود را در این گفتمان عوض کنم و شما را مورد خطاب قرار دهم. جهان می‌خواهد بداند که مراحل تغییر و توسعه روابط اجتماعی از منظر تفکر شیعه چیست؟

در واقع، میزان شناخت و آگاهی کسانی که به ایران و قم سفر می‌کنند، درباره شیعه بسیار اندک است و آنها چیزی نمی‌دانند. البته منظور من غیرمتخصصان هستند که ۹۹ درصد این جمع را تشکیل می‌دهند.

در میان شما، آرای علمی شگرفی وجود دارد و تلاش‌های زیادی در زمینه‌های مختلف علمی، صورت می‌پذیرد و گاهی درخشش‌هایی از

خود ظاهر می‌کنید، ولی نهایت استفاده جهان غرب از جامعه شما به آرا و اندیشه‌های عبدالکریم سروش محدود می‌شود. خوب تلاش‌ها، تولیدات و تعاملات دیگر شما، بر جهان غرب پوشیده مانده است. حتی خود من درباره موارد یاد شده مطالب بسیار کمی می‌دانم و گاهی از برادران و استادان علوم انسانی، در این باره اطلاعاتی به دست می‌آورم. در خارج عراق تقریباً سی سال کار کرده‌ام و می‌دانم که غرب و جهان خارج از ما چه انتظارات و توقع‌هایی دارد. جهان امروز از ما می‌خواهد تا از عینیت‌ها، شناخت فرهنگی، روحی و اجتماعی داشته باشیم. بنابراین نباید پاسخ‌های خود را به مرزهای سیاست محدود کنیم؛ زیرا معتقدم که سیاست، صرفاً دروازه همواری برای ورود به فرهنگ عوام جامعه است. بنابراین باید درباره زندگی، فرهنگ، فعالیت‌ها و چالش‌های مردم بحث کنیم تا بدین ترتیب مباحث مربوط به شیعه و تشیع به سطح طبیعی و صحیحش بازگردد.

در مورد شیوه آموزش پژوهش‌گر در مراکز علمی فرانسه، گفتید که ده تا پانزده سال به طول می‌انجامد. طریقه کار به چه صورت است؟ یعنی آغاز و انجام پژوهش‌ها به لحاظ علمی و روشی چیست؟

در پاسخ به این سؤال به صورت اجمالی می‌توان گفت: بله، آماده‌سازی پژوهش‌گران جوان و کسانی که از آموزش عالی، فارغ‌التحصیل می‌شوند و کسانی که توان‌مندی پرداختن به پژوهش‌های میدانی و تولید و نشر مباحث جدی و مهم - البته نه الزاماً جدید، بلکه دست‌کم مهم - را دارند، ده تا پانزده سال به طول می‌انجامد. به دلیل آن که فرد مورد نظر ما باید از دبیرستان فارغ‌التحصیل شده، وارد دانشگاه گردد. دوره لیسانس تقریباً چهار سال طول می‌کشد. فرد پس از آن، باید

خود را برای فوق لیسانس و سپس دکتری آماده کند. همه می دانند که آموزش عالی در رشته علوم اجتماعی در فرانسه، از رشته های علوم طبیعی طولانی تر است. برای مثال دانشجوی مقطع دکتری رشته ریاضیات، می تواند ظرف دو تا سه سال دکتری بگیرد، ولی ممکن نیست که کسی در این مدت، موفق به اخذ دکتری مردم شناسی شود؛ زیرا در فرانسه اصرار داریم دانشجوی تحصیلات تکمیلی در رشته مردم شناسی، دست کم یک سال پژوهش میدانی انجام دهد، دست آوردهای میدانی او تا سه سال تجزیه و تحلیل شود و الگوهای آن استخراج گردد. مطمئنیم که این فرد به آمادگی فکری و نظری نیاز دارد.

هنگامی که این مراحل به اتمام رسید، با توجه به بحران اقتصادی موجود در فرانسه، بلافاصله امکان کار کردن نخواهد داشت، بلکه باید دو تا سه سال صبر کند تا فرصت شغلی بیابد؛ البته او از این فرصت استفاده کرده، در خود آمادگی های فکری و علمی لازم را ایجاد خواهد کرد و اگر رساله دکتری وی موضوع خوب و جالبی داشته باشد، آن را منتشر خواهد ساخت که البته فقط ده درصد اشخاص، موفق به چاپ رساله های خود می شوند و بقیه این توفیق را نمی یابند. سپس فرد مورد نظر شروع به نوشتن مقالات و شرکت در همایش های علمی می نماید و با دانشگاه ها و مؤسسه های علمی ارتباط برقرار می کند و این مراکز در حد برخی از مساعدت های علمی، نظیر اعطای بلیت هواپیما برای سفر به مناطق مورد نظر و تکمیل پژوهش های میدانی، او را یاری می کنند. هنگامی که برخی از ایشان - متأسفانه نه همه - به این سطح از توانمندی های علمی و پژوهش های میدانی رسیدند، پژوهش گر مطرح شناخته می شوند.

از آن جا که یکی از گرایش‌های شما پژوهش تطبیقی درباره پدیده‌های دینی همانند حج است، در این نوع پژوهش چه شیوه‌ای دارید؟

در مورد پژوهش‌های تطبیقی باید بگویم که در رشته‌های علوم اجتماعی و یا دست‌کم در زمینه مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی اقتصاد و حقوق، نمی‌توان رشته‌ای را بدون مطالعه تطبیقی، به رسمیت شناخت؛ زیرا اساساً ارزش علم در تطبیق پدیده‌هاست. تطبیق پدیده‌ها، یعنی برجسته کردن و ارائه برای خاص و عام؛ پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی بعدی عام دارند، از این رو ظرفیت تطبیق را دارا هستند. ولی این طور نیست که همه پژوهش‌گران، توان کار تطبیقی داشته باشند. لذا آزمایشگاه‌های ما، مختلط هستند و این امر زمینه را برای تعامل میان رشته‌های مختلف، هموار می‌سازد.

برای نمونه، وقتی عنوان می‌کنم: «دین در مشرق‌زمین، بخش انعطاف‌ناپذیر هویت دینی و به ویژه هویت اجتماعی اشخاص است»، شاید پژوهش‌گر دیگری در آزمایشگاه ادعا نماید که این پدیده در میان بوداییان تبت هم وجود دارد و همین موضوع، نقطه آغازین یک گفت‌وگو شود.

در ماه مارس آینده، همایش بزرگی با عنوان «شهادت و انتحار در اسلام معاصر» برگزار خواهم نمود. در این همایش بحث خواهد شد که چرا مردم خود را منفجر می‌کنند؟ جهان از این پدیده در رعب و وحشت فرو رفته و همه، جهان اسلام را مانند کمربندهای انفجاری می‌نگرد.

در آزمایشگاه خود از پژوهش‌گران مختلفی برای مطالعه این موضوع استفاده کرده‌ام. مثلاً پژوهش‌گری که در مورد سریلانکا مطالعه می‌کند، به من گزارش داد که این پدیده در میان تامیلی‌ها نیز فراوان دیده

می‌شود یا فرد دیگری که در مورد مذهب «شینتو» پژوهش می‌کند، به من اطلاع داد که شما نوعی از «کامیکازه»^۱ را به کار می‌برید. به این ترتیب، مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها که در ادیان مختلف و در نقاط متفاوت جهان، به یک پدیده وجود دارد، گردآوری می‌شود و این، نوعی پژوهش تطبیقی است.

روش پژوهش‌گران به دو بخش کلی تقسیم می‌شود:
 الف) روش حفره‌های تنگ و عمیق (روش ژرفانگر): در این روش، در مورد موضوعی خاص پژوهش می‌شود. برای مثال، از کتاب *المیزان* علامه طباطبائی رحمته‌الله، فقط بحث ازدواج موضوع تحقیق قرار می‌گیرد. شیوه کار به این صورت است که انگار حفره‌ای به قطر ده سانتی‌متر، اما به عمق پنج کیلومتر به وجود می‌آید.

ب) روش سطح وسیع، اما عمق کم (روش پهنانگر): در این شیوه برای مثال بحث‌های ازدواج، انحراف‌های جنسی، خانواده و نظام خویشاوندی از کتاب *المیزان*، پژوهش می‌شود. در این روش، گویا وسعت کار، صد سانتی‌متر ولی عمق آن یک کیلومتر است، نه همانند روش نخست که پنج کیلومتر بود.

با دو گونه از متخصصان مواجهیم: گروهی دارای توان‌مندی علمی وسیع، اما با عمقی کم، و گروهی دارای تبحر در رشته خاص خود و تخصص عمیق هستند که با این گروه دوم در رشته تخصصی‌شان هم‌آوردی ممکن نیست.

۱. خلبانان انتحاری ژاپنی در جنگ جهانی دوم که وقتی هواپیمایشان مورد اصابت قرار می‌گرفت، در حال سقوط آن را به سمت ناو امریکایی هدایت می‌کردند و خود و دشمن را منفجر می‌ساختند.

در دهه‌های شصت و هفتاد، بیشتر بر متخصصان جامع و کم‌عمق تأکید داشتیم. متخصصان بزرگ، فیلسوفانی چون کربن بودند. این عصر را دوران بزرگان می‌نامم. ولی اکنون دوره‌ای که فلسفه بتوانند همه موضوعات را حل کند، سپری گشته است. فیلسوف باید مطالب زیادی فرا بگیرد تا بتواند تولید علم نماید؛ در حالی که در کشورهای ما هم‌چنان تصور می‌شود که فلسفه، قله علوم است.

از اواخر دهه هفتاد تاکنون، رشته‌های تخصصی اصلی داشته‌ایم، ولی از پنج- شش سال پیش، احساس کرده‌ایم که متخصصان موجود در فرانسه، توانمندی مطالعه پدیده‌ها را در یک چارچوب عام و کلی ندارند. این موضوع سبب شده که به آموزش پژوهش‌گران با توانمندی‌های علمی و معرفتی جامع‌تر و عمیق‌تر، احساس نیاز شود. این ظرفیت و توانمندی را داریم که به آموخته‌ها و تجارب خود، به دیدی نقادانه بنگریم.

آیا در فرانسه، عرصه گسترده‌ای برای ترجمه برخی از کتاب‌های تاریخی در مورد شیعه وجود دارد؟ احساس می‌کنیم در آن جا خلأ بزرگی در مورد شناخت ریشه‌های شیعه و تشیع وجود دارد. به علاوه، آیا کتاب‌های خوب و مفیدی که در ایران، عراق و دیگر کشورها داریم، ترجمه می‌شود و در اختیار پژوهش‌گران قرار می‌گیرد تا آنان بر اندیشه‌ها و دیدگاه‌های محققان ایرانی و دیگر مسلمانان، درباره تشیع آگاهی یابند؟

بله، سؤال مهمی است. در واقع در فرانسه نیاز و اشتیاق فراوانی به این کتاب‌ها وجود دارد، ولی روند ترجمه این کتاب‌ها با موانعی روبه‌روست. نخست آن که این کتاب‌ها را باید مؤسسه‌های علمی،

ترجمه کنند تا با نگاهی عالمانه بررسی گردند و سپس متخصص دیگری آن را بازبینی کند و حاشیه‌هایی بر آنها بنویسد. در فرانسه، مرحله واسطه - بین مترجم و نشر - سبب می‌گردد تا ارزش علمی کار فزونی یافته، آشنایی با متن بیشتر گردد و نیز سازوکارهای جدید و صحیح فهم متن به خواننده آموخته شود. ولی اگر بخواهند کتابی مثل *المیزان* را به این شکل موجود، در آن جا ترجمه و عرضه کنند، انتشار آن بسیار محدود خواهد بود. بنابراین، باید کارهای ارائه شده، روان و فهمیدنی باشند. برای مثال، «ژاک بیرک» قرآن کریم را ترجمه کرد. وی برای فهم این کتاب مقدس، مقدمه، حاشیه و مطالب ضروری نگاشت. آن زمان در قاهره و نقاط دیگری از جهان اسلام، تظاهراتی بر ضد وی پیا شد، با این عنوان که او در کلام الهی دست برده است. ولی وی پاسخ داد که برای فهماندن کلام الهی به خواننده فرانسوی، ۲۵ سال، زحمت کشیده است. از این رو ترجمه وی با شمارگان بالایی به چاپ رسید و همه‌ساله نیز تجدید چاپ می‌شود.

این موضوعی کاملاً طبیعی است؛ یعنی از آن جا که خواننده فرانسوی از فرهنگ ما نیست، کارهای ارائه شده به او، نیازمند مقدمه، آسان‌سازی، آماده‌سازی، تفسیر و تحقیق است.

نکته مهم دیگر این که باید یاد بگیریم در محتوای مطالب خود از جهت‌گیری تبلیغی، اجتناب کنیم و اصل محتوا را متقن و علمی ارائه دهیم تا خواننده با مطالعه آن، بحث را بفهمد و قانع شود؛ اگر چنین اتفاقی بیفتد، توفیق یافته‌ایم. ولی این را نیز باید بدانیم که در فرانسه، عموم مردم به آگاهی از تولیدات و میراث بنیادین اندیشه شیعه نیاز فراوانی دارند.

چرا دانشگاه‌های فرانسه، دولتی هستند و شنیده می‌شود که این کشور دانشگاه، دانشکده یا مؤسسه آموزش عالی غیردولتی ندارد؟ چرا وضعیت فرانسه بر خلاف دیگر کشورهای اروپایی است؟ آیا تصور نمی‌کنند که این وضع سبب ایجاد نوعی محدودیت و جلوگیری از توسعه دانش شود؟

بله دانشگاه‌ها در فرانسه، به دولت وابسته هستند و این موضوع ریشه‌های تاریخی دارد. بعد از جنگ جهانی دوم، فرانسه به لحاظ اجتماعی و اقتصادی، فروپاشید؛ زیرا در دوران جنگ، توسط آلمان‌ها اشغال شد و متحمل خسارت‌های فراوانی گردید. پس از جنگ باید به سرعت بازسازی می‌شد و دولت باید هزینه‌های سنگین بازسازی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های رسمی و دولتی را می‌پرداخت. فرانسه، در آموزش، شیوه‌ای به نام الگوی فرانسوی تعلیم دارد. این الگو بر برابری فرصت‌ها، از مدرسه تا دانشگاه تکیه می‌کند.

سرمایه‌داری و اقتصاد آزاد مبنای اقتصاد فرانسه است. اختلاف طبقاتی میان فقیر و غنی در داخل جامعه وجود دارد. موضوع «مدرسه برای همه» تنها مسأله‌ای است که فرانسه آن را از دو قرن پیش از دایره اقتصاد آزاد جدا کرده؛ زیرا مدرسه سبب می‌شود تا همگان، فرصت دستیابی به مدارج علمی و مناصب اجتماعی را داشته باشند. بنابراین، رسالت مدرسه، صرفاً تربیتی و اجتماعی نیست، بلکه برای فراهم‌ساختن فرصت‌های برابر سیاسی نیز هست. ما این رسالت را «آسانسور» می‌نامیم؛ یعنی هر کسی می‌تواند از این آسانسور بالا رود، هرچند از طبقات بسیار پایین جامعه باشد.

این جنبه عمومی دولتی بودن مدارس است؛ این پدیده، جنبه ایدئولوژیک نیز دارد. دولت فرانسه دولتی سکولار به شمار می‌آید و

مبانی سکولاریسم را در مدارس آموزش می‌دهد. همین امر سبب شده که با موضوع حجاب این‌گونه برخورد شود و مشکلاتی را دامن زند؛ البته دانشگاه‌های خصوصی نیز در فرانسه وجود دارد، ولی این دانشگاه‌ها، چندان بزرگ نیستند. دانشگاه نیازمند سرمایه کلان، استخدام نیرو و امکانات فراوانی است و بخش خصوصی، قادر نیست این امکانات را تأمین کند.

این امر در مورد بیمارستان‌ها نیز صادق است. در فرانسه بیمارستان‌های خصوصی داریم، ولی اگر کسی به عمل جراحی مهمی نیاز داشته باشد، به بیمارستان دولتی مراجعه می‌کند، نه خصوصی، ولی در کشورهای ما عکس این موضوع صادق است!

فقط دولت بودجه کلانی در اختیار دارد که می‌تواند وسایل و تجهیزاتی را به قیمت میلیاردها دلار خریداری نماید و بخش خصوصی چنین امکانی را ندارد.

دانشگاه‌ها حتی گاهی خود به برآورد و درخواست بودجه اقدام می‌کنند. بودجه آموزشی برای هر کدام از آموزش‌ها، حدود ۵۵۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار در سال است و بخش خصوصی نمی‌تواند چنین بودجه‌ای را تأمین کند. البته این وضعیت فرانسه در مقایسه با امریکا ضعیف است؛ ایالات متحده سه هزار دانشگاه دارد.

مجری: در پایان از حضور دوستان و جناب آقای دکتر هشام داوود تشکر می‌شود.